

فیلم ساز جوان اصفهانی در کوچه های شهر امام رضا (ع)

دنبال یافتن روایت هایی برای سینما و تلویزیون است



وقتی مشهد لوکیشن می شود



سمیرا شاهیان | در بین نسل جوان فیلم سازان، از همان آغاز مسیرش نشان داد که قرار نیست شبیه دیگران باشد؛ او کارشناسی مهندسی برق قدرت دارد، اما دلش نه با محاسبات فنی که در گرو قاب تصویر است. از طرفی کارگردان و فیلم سازی است که مسیرش رانه از تهران، بلکه از دل مشهد آغاز کرده و حتی زادگاهش اصفهان را ترک کرده تا در سایه حرم امام رضا (ع) زندگی و کار کند. مشهدی که حالا به تعبیر خودش «لوکیشن زندگی» اش شده است.

علاقه او به سینما فقط در قالب پروژه های داستانی و مستند های جشنواره ای نیست؛ بخش مهمی از فعالیتش، ساخت کلیپ ها و مستند هایی درباره خادمان و زائران حرم است؛ کارهایی که شاید از سینما فاصله داشته باشد. ولی به گفته خودش دلنشین ترین تجربه های هنری اش محسوب می شوند.

علی سلمانی هنرمند محله فرهنگیان، سینما را برای سرگرمی صرف نمی داند، بلکه معتقد است روایتگری باید به بهبود جهان منجر شود. همین نگاه باعث شده هم در انتخاب سوزناک ها جستار به خرج دهد. از پرداختن به مسئله فلسطین گرفته تا تجربه پروژه های دشوار داستانی، و هم در انتخاب زیستگاه هنری اش، مشهد را برگزیده است.

گفت و گوی پیش رو، روایتی است از مسیر پرفراز و نشیب او؛ از علاقه به تصویر و قصه گویی گرفته تا جالش های ساخت فیلم در مشهد و آملیدی که به آینده سینمای بلند دارد.

مهندسی در قاب تلویزیون

شروع گفت و گوی ما با علی سلمانی، درباره پخش یکی از آثارش از تلویزیون است؛ یک قسمت از سریالی یازده قسمتی با نام «جایی برای همه» که اپیزودیک ساخته شد و هر قسمت را کارگردان و نویسنده ای جداگانه پیش برد. این مجموعه به مناسبت دهه اول محرم روی آنتن رفت و یکی از اپیزودهای آن با موضوع «روژه های خانگی» با تهیه کنندگی قاسم قاسمی، همان اپیزودی است که حضور جدی سلمانی در قالب نویسندگی و کارگردانی در قاب تلویزیون را رقم زد.

سلمانی که متولد سال ۱۳۷۶ است، پیش از این نیز تجربه های کوتاه تری داشته است و می گوید: سال ۱۴۰۲ فیلم «شورش» بود که در جشنواره های مختلف از جمله جشنواره فیلم کوتاه تهران، رشد، عمار و چند رویداد دیگر به نمایش درآمد و حتی جوایزی هم کسب کرد. این اثر کوتاه با موضوع فلسطین ساخته و بعد ها از شبکه های مختلف تلویزیونی پخش شد. این مهندس برق مسیرش را این طور روایت می کند: پس از پایان تحصیلات متوسطه، هم زمان در دو کنکور شرکت کرده بودم؛ یکی هنر و دیگری ریاضی. با

معدل هجده و رتبه متوسط در ریاضی، سرانجام در رشته مهندسی پذیرفته شدم و برای ادامه تحصیل راهی دانشگاه دولتی سبزوار (حکیم سبزواری) شدم. اما از همان ترم اول فهمیدم این رشته با من سازگار نیست. فیزیک یک راکه خواندم، حالم بد می شد. حتی به پدرم زنگ زدم و گفتم نمی خواهم ادامه بدهم. اما او مخالف بود و حرفش این بود که در این صورت باید سربازی بروم.

با وجود بی علاقه گی های زیاد، علی در کنار درس به تدریج به سمت فعالیت های فرهنگی و سینمایی در دانشگاه رفت؛ «عضویت در کانون فیلم و عکس دانشگاه، بسیج دانشجویی و ساخت برنامه های اینترنتی با هم دانشگاهی ها کم کم مرا به سمت سینما کشاند. در نهایت هم او آخر دوره تحصیلم، انتقالی گرفتم و به یک دانشگاه غیرانتفاعی در مشهد آمدم؛ تجربه ای که نقطه عطف زندگی ام شد.»

یافتن «فلسطین» در روستای اسلام آباد

نخستین پروژه داستانی او در مشهد با دشواری های بسیاری همراه بود. او درباره اولین تجربه داستانی اش در مشهد می گوید: بزرگ ترین درد سر ما پیدا کردن لوکیشنی بود که حال و هوای خانه های فلسطین را داشته باشد. خیابان شقایق در انتهای هفت تیر، جاده سیمان و حتی منطقه قرقی را بررسی کردیم. اما هیچ کدام جواب نمی داد. در نهایت در روستای اسلام آباد کوچه ای پیدا کردیم که خانه های تمام سیمانی اش دقیقاً همان فضای بی روحی را داشت که می خواستیم. همان جاشد صحنه اصلی این فیلم سه دقیقه ای.

او اضافه می کند: بودجه مان خیلی محدود بود و تنها یک روز برای ضبط وقت داشتیم. البته برای پیش تولید کار، حدود سه ماه وقت صرف کرده بودیم. تازه مشکلات طراحی صحنه و لباس هم مزید بر علت بود. لباس مناسب در ایران نبود و مجبور شدیم دست به ابتکار بزنیم. حتی دیالوگ های عبری هم کار را پیچیده تر کرده بود.

گروه بازیگران این کار، بیشتر از جوانان مشهدی تشکیل شده بود؛ سارا نجاتیان (بازیگر تئاتر)، حجت باغانی (فعال در حوزه موسیقی که آشنایی مختصری با زبان عبری داشت) و اسدا... سرداریان در نقش سرباز؛ سایر نقش ها نیز به هنرور ها سپرده شد.

روایت حرم در قاب مستند

این دانش آموخته فیلم سازی انجمن سینمای جوان در کنار دیگر تجربه ها، بخش مهمی از کار خود را صرف ساخت مستند های کوتاه برای تلویزیون می کند؛ آثاری درباره موضوعات مرتبط با حرم امام رضا (ع). در این باره می گوید: این مستند ها تبلیغی یا گزارشی صرف نیستند؛ من روی روایت قصه تمرکز می کنم. بیشتر شان بین پانزده تا سی دقیقه بودند. همین حالا هم مشغول تولید یک مستند پرتیر سه قسمتی هستم. ورود جدی سلمانی به عرصه مستند، با همکاری مشترک در انجمن فیلم سازان انقلاب اسلامی رقم خورد. نخستین تجربه حرفه ای اش مستند «نفس خوار» بود؛ اثری درباره ارتفاعات جنوبی مشهد و پیامدهای توسعه شهری. او توضیح می دهد: با دغدغه زیست محیطی که داشتیم، پژوهش اولیه را انجام دادیم، متن را آماده کردیم و بعد به سراغ

سید محمد محمدی سرشت رفتیم. نتیجه یک کار مشترک شد که حتی توانست برای مدتی، مسیر پروژه های عمرانی را متوقف کند. این تجربه، درهای تازه ای را برایش گشود. حضور در جشنواره هایی چون «عمار» باعث شد جایزه پایش و پالایش اجتماعی در سال ۱۳۹۷ را به دست بیاورد و بیشتر دیده شود. همان جابود که با گروهی از فیلم سازان جوان مشهد آشنا شد؛ خیلی چیزها از آن ها یاد گرفتیم. بعد تر همکاری با محمد صادق رضانی مقدم در دفتر شمس فیلم، نقطه عطفی در زندگی کاری ام شد. دوستانم و به ویژه ایشان چیزی را که سخت به دست آورده بودند، رایگان به من یاد می دادند.

فیلم کوتاه «شورش» نیز در همین دوره ساخته شد. اثری سه دقیقه ای که تنها یک روز فیلم برداری شد، اما در جشنواره های مختلف درخشید؛ جایزه ویژه سازمان سینمایی کشور در جشنواره فیلم کوتاه تهران، جایزه شاخه زیتون و جایزه بین المللی جشنواره رشد. علی سلمانی می گوید: در تاریخ سینما ده ها فیلم درباره رنج یهودیان ساخته شده. اما درباره کودکان فلسطینی سکوتی گزینشی وجود دارد. وقتی عکس های هفت هزار کودک بازداشت شده را می دیدم، گلویم را بغض می گرفت. برای همین ایده فیلم شکل گرفت. به باور او، همین «شورش» بود که دنیای سینمای داستانی را برایش جدی و پویا و رابیش از پیش به فضای حرفه ای باز کرد.

